

دیگر آن دورانها گذشته است و ملت ایران می خواهد مقدرات خویش را خود در دست گیرد و با همه همسایگان خود و اتحاد جماهیر شوروی حسن همجواری و ارتباط دوستانه داشته باشد و مسلماً این روابط باید متقابل باشد.

ما اخیراً مطلبی را در ایران شنیدیم که از طریق سرحدات مشترک آذربایجان ایران و شوروی مخصوصاً از ناحیه قفقاز اسلحه زیادی بین اهالی اهر و ارسباران تقسیم گردیده با انقلاب ملت ایران را خنثی سازند ولی بعداً معلوم شد شایعای بیش نبوده و اشاعه آن از طرف عوامل ضد انقلاب و مخالفین جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و ما سر تعجب کردیم که چگونه ممکن است انسان، هم حسن همجواری و ارتباط دوستانه داشته باشد و هم در صدد تحریک و دخالت در امور داخلی کشوری را بنماید.

این راه به شما بگویم که دولت اسلامی هیچگاه راه خدعه و فریب را در ارتباطات ندارد و اگر دولت اسلامی با دولتی دیگر طرح دوستی ریخت در ظاهر و باطن یکی است و هیچ تیرگی دیگر در کار نخواهد داشت زیرا اسلام دین حقیقت و درستی و صداقت است و این است که از دولت شوروی انتظار داریم که حسن همجواری موجود را کاملاً مراعات کند و در امور سیاسی، تجاری و فرهنگی تسهیلاتی برای ایران فراهم سازد.

من در سالهایی که در تبریز مرکز آذربایجان زندگی می کردم در آن زمان شوروی به آذربایجان حمله کرد و خسارات و صدمات زیادی به مردم ما وارد نمود و گروه زیادی از مردم آذربایجان نیز مهاجرت کردند. ما می خواهیم برای همیشه اینگونه خاطرات تلخ را فراموش کنیم و به هیچوجه کوچکترین تجاوزی را به خاک ایران نشنوم و نینیم و دولت ایران و شوروی دست دوستی یکدیگر را بفشارند و اصول بین المللی را در حسن همجواری و احترام متقابل کاملاً مراعات کنند.

انتظار دیگر ما از دولت اتحاد جماهیر شوروی این است که نگذارند دولت افغانستان با خشونت رفتار کند به طوری که اطلاع داریم حکومت افغانستان طی ماههای گذشته جدیدین بار اجتماعی از مسلمانان را در خاک آن کشور بسیار کرده و در اثر رفتار تندمستولین امور، گروه کثیری از برادران و خواهران افغانی ما از کشور خود آواره گردیده و به ممالک مجاور پناهنده شده اند. من به نام یک انسان و به خاطر دفاع از انسانیت این نصیحت را می کنم که مصلحت شوروی و افغانستان در این است که بگذارند ملت افغانستان در آرامش و در چهارچوب تعالیم اسلامی خود زندگی کنند.

در پایان خبرگزاریها درباره روابط فرهنگی ایران و شوروی پرسیدند. معظم له فرمود جواب این مطلب در یک جمله کوتاه خلاصه می شود و آن این است که همه این امور با حسن همجواری و حسن نیت طرفین امکان پذیر است.

سیدهای خسروشاهی



تشیع و استبداد

* گفتگویی با سیدجمال الدین اسدآبادی

* بوسیله آرتور آرنولد Arthur Arnold

در یکی از مقالات "دکترهما ناطق" اشارتی شده بود به اینکه "سیدجمال الدین اسدآبادی" طی مصاحبهای، در یک قرن پیش، که در یک روزنامه چاپ انگلستان درج شده است، برتری اندیشه تشیع را، در اصلاح جهان اسلام، اعلام کرده است...

... دست یافتن به این مصاحبه در ایران مقدور نشد و گوش ما در این زمینه به جاتی نرسید، چراکه جز "خانمهما ناطق" بقیه کسانی که احتمال میرفت در این زمینهها اسنادی داشته باشند! حتی از وجود چنین مصاحبهای اظهار بی اطلاعی می کردند و از کتابخانههای کشور آریامهری! همگه فاقد دورههای مجلات گو روزنامههای گذشته کشور خود ما هستند، طبعاً نمی توانستیم توقع داشتن روزنامه یک قرن پیش انگلستان را داشته باشیم گرچه مطالب آن مربوط به ایران باشد.

در سال گذشته، در سفری کوتاه به لندن، همراه یکی از برادران دانشجوی به کتابخانه "بریتیش میوزیم" رفتیم، تا بلکه این روزنامه را بدست آوریم، آنجا ما را راهنمایی کردند که به کتابخانه مخصوص روزنامهها:

The British Library, Newspaper Library

برویم.

... و یک روز تمام، بدنیاال این روزنامه گشتم، تا آنکه نسخه مورد نظر، در کتابخانه پیدا شد، و با لطف مدیر کتابخانه، که ما را نمی شناخت ولی به عنوان اینسکه یک محقق، نیازمند آنست، دوره روزنامه را در اختیار ما قرار داد، و با زحمت برادر همراه، فتوکپی آن مصاحبه تهیه گردید، و اکنون که فرصتی پیش آمده، به ترجمه و نشر آن اقدام می گردد.

مصاحبه تحت عنوان: The Reform of Islam

در روزنامه: Pall Mall Gazette چاپ لندن، مورخ ۱۹ دسامبر ۱۸۹۱ میلادی، صفحه ۳ درج شده است.

ترجمه این مصاحبه که برای اولین بار بزبان فارسی منتشر می شود، علاوه بر اینکه نشر یک سند تاریخی ارزنده‌ای است، نشان دهنده عقیده سیدجمال‌الدین اسدآبادی در برتری تشیع، در مبارزه با استبداد می باشد و از طرف دیگر، با مقایسه اوضاع آن روز، با اوضاع امروز، تشابه‌های فراوانی بچشم خواهد خورد...



اصلاح در اسلام

بعدار ۵ ماه گردش در ایران، در سال ۱۸۷۶ میلادی، من با علاقه تمام، همیشه ناظر اوضاع سیاسی و پیشرفت آن امپراطوری بوده‌ام. ایران مرکز یکی از بزرگترین گروه‌های مسلمانان در آسیاست. ولی در هیچ امپراطوری دیگری، مقام و موقعیت زنان، مانند ایران، یائین و ناراحت کننده نیست. در هیچ کجای دیگر، استبداد و فشار و اختناق ضد بشری، اینقدر شدید نیست. دولت ناصرالدین شاه جز استقرار و ثبات ظاهری، هیچ چیز دیگری ندارد. جز ستم و انتقام، جز فرمان همانبونی و دستورات استناداران که به اصطلاح آنرا آسمانی هم می نامند، هیچ قانونی حکمفرما نیست.

در واقع آنچه بنام قانون نامیده می شود، غیر از یک زورگویی بدون مجوز و یک قانون خلق الساعه نیست. و تصویبات لازم بوسیله کسانی که به شاه نزدیک هستند، بیشتر در سایه رشوه اتخاذ می گردد و تنها آنها هستند، که می توانند راه‌حلی برای مشکلات پیدا کنند. هیچ نوع قانونی وجود ندارد جز فرمانهای کسی که قدرت سلطنت در دست

او است، البته قوانین وحشیانه و شیطانی که انسان تا کنون توانسته است آنها را به وجود آورد.

در دومین سفر شاه به لندن، برای او امکاناتی پیش آمد که یک مصلح ایرانی - پرنس ملکم خان - همراه او باشد. ولی او وقتی دید که شاه همواره به مشورت های افراد کوتاه فکری تکیه می کند، از مقام سفارت استعفا داد.

آنگاه ملکم خان جنبشی را از محل اقامت خود که در آن از پادشاه پذیرایی کرده بود، براه انداخت که هدف آن یک انقلاب بدون خونریزی، نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان اسلام، می باشد، بزرگترین وسیله او مجله‌ای بنام "قانون" است که با مراعات اصول اسلامی، می گوشت، نظریات یک دولت منتخب از طرف مردم را مطرح سازد و یک نظام عادلانه قانونی بوجود آورد. بزرگترین رفیق او جمال الدین می باشد که اخیراً وارد لندن شده و در جستجوی من بوده که هدفها و برنامه‌های او را منتشر سازم و هم‌دردی خود را درباره مسائل ایران ابراز دارم. جمال الدین دارای اطلاعات فوق العاده ای در باره قانون و اسلام است. او یک سخنران ممتاز و برجسته‌ای در مساجد تهران و استانبول بوده، و به زبان فرانسه هم خوب مسلط می باشد. او در آخرین سفر ناصرالدین شاه بسوی ایران، همراه او بوده است. ولی بعد از رسیدن به تهران مورد غضب شاه قرار گرفته است و نمی تواند به آسانی و سلامتی بطرف ایران یا استانبول برگردد. بعد از تعارفات که بطور مقدمه برای اینگونه گفتگوها لازم است، من از سید جمال الدین پرسیدم:



سؤال - بنظر شما ضررها و مصیبت‌هایی که متوجه مردم ایران است، چیست؟
او پاسخ داد: من به یقین می دانم که مردم ایران دارای منابع طبیعی زیسادی هستند و بیشتر از دیگر مردم آسیا، خواهان پیشرفت و ترقی می باشند. ذوق و طبیعت فلسفی و ادبی آنها، در اندیشه اسلامی، نظریات بشر دوستانه کاهلی را جای داده است ولی از آمادگی و صلاحیت های آنها، بوسیله یک استبداد خشن - که هیچ قانونی را بر رسمیت نمی شناسد، و مایل است که بطور وحشیانه‌ای مردم را سرکوب کند - شدت جلوگیری شده است.

این استبداد ظالمانه تمام مردم آزاد بخواه را تحت آزار و شکنجه قرار داده است و آنها یا در خود ایران نابود شده‌اند و یا آنکه از ایران خارج شده و مجبور به ترک وطن گشته‌اند.

سؤال: شما با آنها چه روابطی دارید؟

پاسخ: من وابسته به یک نژاد خالص ایرانی می‌باشم و چون دین اسلام یک رشته نیرومند است ما این خوشبختی را داشتیم که همکاری و هم‌دردی شاهزادگان پوزرا^۱ و مجتهدین و رهبران بزرگ مذهبی و همچنین بازرگانان و ارتشیان رابه سوی خود جلب نمائیم که آنها در کار نجات دادن مردم ایران با من همراه و هم‌مسئول باشند.

سؤال: شما چه پیشنهادی درباره دولت ایران دارید و چگونه می‌توانید در برابر استبداد آن مقاومت کنید؟

پاسخ: بعضی از ارزنده‌ترین و بهترین عناصر طبقات مختلف متحد شده اند که برای حفظ جان و مال مردم بکوشند و امنیت و آرامش را بدست آورند. و یک حکومت صالح و قابل پذیرش بوجود آورند و من در اینجا - لندن - بعنوان نماینده آنها سخن می‌گویم و حقایق را فاش می‌سازم. و امیدوارم که افراد انسان دوست و خیرخواه، از هرگونه کمک اخلاقی بآن مردم تحت ستم و فشار، خودداری ننمایند. با این کمک اخلاقی ما امیدواریم که مردم ما بتوانند اصلاحات لازم را انجام دهند و حقوق خود را بدست آورند. و این حکمرانان ستمگر در کشور ما مجبور شوند از فشار و اختناق وحشیانه خود دست بردارند.

سؤال: بنظر شما چگونه یک روح آزاد و جدید را می‌توانید در اسلام پیاده کنید؟

پاسخ: روح اصلی قرآن کاملاً با آزادیهای جدید هماهنگ می‌باشد. اختلافات و تعصب‌های فرقه‌ای در نتیجه افزایشها و تفسیرهای جاهلانه بوجود آمده است. اکنون پیشرفت! نتایج این اشتباهات گذشته را آشکار نموده است. روی همین اصل یک مسلمان تحصیل کرده و دانشمند که با اصول آزادی اروپا کاملاً آشنا باشد، می‌تواند این حقایق را با استناد به قرآن به مردم خود برساند و دچار مشکلاتی که "لوتر" با آنها مواجهه گردید، نخواهد شد.

سؤال: این اصلاحاتی که شما در نظر دارید، از نظر شاه و مشاورین موجودش با چه واکنشی روبرو خواهد شد؟

پاسخ: تجاوزها و زشتیها که استبداد غیر محدود در مدت حکومت ۴۵ ساله خود داشته است صلاحیت‌های معنوی و مادی شاه را کاملاً از بین برده است دیگر هیچگونه مسئولیتی برای اعمال شخصی او وجود ندارد. افراد کوچک و جوان بی تجربه دور او را گرفتارند و او هم به آنها علاقمند است و آنها توانسته اند که شاه را آلت خواسته‌های جاهلانه و غیر اخلاقی خود قرار دهند.

این گروه طبعاً با هرگونه حکومت توأم با قانون و نظم مخالف هستند، ولی وزیران

و اشخاصی محترم و صالح بطور عموم، خواستار اصلاحات هستند. و بعضی از آنها مورد خشم قرار گرفته‌اند و چون درباره اصلاحات سخن گفته اند در معرض خطر قرار دارند.

سؤال: آیا اصلاحات در بین شیعه مشکل‌تراز اصلاحات در میان سنی‌ها نیست؟

پاسخ: چون اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق قرآن باشد، وضع هر دو فرقه اسلامی، تقریباً یکسان است ولی چون مانع بزرگ پیشرفت استبداد بوده و یکی از اصول اساسی شیعه اینست که هر نوع سلطان و حکمران غیر اسلامی، غاصب است و روی همین اصل، اصلاحات و از بین بردن استبداد در میان شیعه آسان‌تر است.

سؤال: آیا پیشنهادهای شما تمام اسلام را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

پاسخ: بلی همه فرقه‌های اسلامی، با وجود پاره‌ای اختلافات، یک واحد هستند که هرگونه اصلاح صمیمانه و راستین در یکی از ملل اسلامی، حتماً در میان همه مسلمانان اثر خواهد گذاشت و چون مردم ایران بیشتر مایل هستند که اصول آزادی و تمدن جدید را بدست آورند و قدرت زیادی برای نشر این اصول دارند، لذا هر نوع اصلاحی که در ایران پیاده شود، در سرتاسر جهان اسلام تاثیر خواهد بخشید.

سؤال: مطالعات شما در مصر و هندوستان چگونه بوده است؟

پاسخ: مصر در همسایگی و تحت کنترل اروپا است، صلاحیت خود مختاری و اداره خود را دارد و تسلط شمال-انگلیسی‌ها - بر قبرس ضمانت کافی برای آزادی مصر است و تحت کنترل قراردادن این کشور برای انگلستان هیچ فایده و اثری ندارد، غیر از اینکه ملت مسلمان را نسبت به انگلیس بدبین سازد.

مصر دروازه مکه است و یکی از مراکز مسلمانان است. و بدین جهت تحت کنترل داشتن آن، موجب ناراحتی در ترکیه می‌گردد، و اگرچه دوستی ترکیه خیلی برای شما استفاده ندارد، ولی دشمنی با ترکیه هم ممکن است عواقب وخیمی داشته باشد.

درباره هند من بهتر از دیگران می‌دانم که تمایل و خواست درونی آنها چیست؟ هندیه‌ها می‌گویند با وجود مدت طولانی حکومت انگلیس، چیزی که از آنها دیده شده این است که انگلستان کشور بهروز و آنها مردمی مغلوب و شکست خورده هستند.

تمام امور اداری برای حقیقت پایه‌گذاری شده، در صورتیکه چنین آموزی نباید بدون اساس باشد، و اگر این وضع اداره امور، تغییر یابد، در شش ماهه ۲۵۰ میلیون نفر دیگر دشمن انگلیسی‌ها خواهند بود.

سؤال: نظر شما درباره آینده ایران چیست؟

پاسخ: اصلاحاتی که در ایران می‌خواهم، خواسته بهترین وزراء و علماء کشور است و خواست همه طبقات اصیل محترم ایران نیز هست. و اگر این اصلاحات عملی

در حکومت اسلامی

قدرت در دست کیست؟



نمی‌تواند در میان شکل آن، مهر خاموشی بر لب زند و شکوت انتخاب کند.

از آن جا که دانشمندان شیعه در هر عصری معترض حکومت‌ها بوده‌اند، و در هر زمان جنبه رد را تشکیل می‌دادند به خاطر نبودن امکانات، کمتر در خصوصیات و ویژگیهای حکومت اسلامی سخن گفته‌اند. از این جهت حکومت اسلامی برای برخی از مردم در حالهای از ابهام باقی مانده است و نوع مردم از شنیدن نام حکومت اسلامی، جز شیوه و حکومت خودکامهای که امروز در برخی از کشورها به نام اسلام حکومت می‌کنند، چیزی درک نمی‌کند.

در این که باید مسلمانان دارای شکلات و سازمان سیاسی باشند، سخنی در آن نیست و عقل و خرد، و آیات و روایات و ویژگی‌های خود احکام اسلام که بدون وجود قدرت قابل اجرا نیست لزوم آن را ثابت کرده و روشن نموده است که وجود دولت، به صورت یک پدیده اجتماعی، اجتناب ناپذیر است.

مهم در حکومت اسلامی آگاهی از شکل و نوع آن است و اسلامی که تا این حد ضرورت آن را یادآور شده است،

شود، ایران وارد عصر جدیدی خواهد شد. و خواهد توانست استقلال خود را حفظ کند. اما اگر باس و ناامیدی فعلی ادامه یابد، مردم خودشان تحولاتی را آغاز خواهند کرد که نتیجه آن به هیچوجه مورد پسند انگلستان نخواهد بود.

سؤال: عقیده مردم ایران درباره انگلستان چیست؟

پاسخ: به مردم ایران چنین گفته شده بود که انگلستان حافظ آزادی و اتحاد و استقلال ایران است و از زمان پیش عقیده داشتند که علاقه انگلستان برای پیشرفت و بهبودی اوضاع ایران است و همین کار برای تغییر سیستم استبدادی است که آنها را نابود می‌سازد.

ولی اخیراً ناراحتی‌هایی بوجود آمده و مردم ایران دیدند که بعضی از آژانس‌های انگلیسی با خائنی متحد شده‌اند، و این خائنین برای آژانس‌های انگلیسی کار می‌کنند و راههای جدیدی برای استبداد ارائه می‌کنند، این وضع مردم را عمیقاً ناراحت کرده که بجای اتکا به انگلستان در تلاش کمکهای دیگری باشند.

نمونه ستون اول مصاحبه سید در روزنامه انگلیسی

THE REFORM OF ISLAM.

AN INTERVIEW BY MR. ARTHUR ARNOLD.

SINCE my five months' walk through Persia in 1876 I have always regarded the progress and politics of that empire with interest. It is the seat of the great Mahomedan schism; it is the only Mahomedan empire which is entirely seated in Asia. In no other empire is the position of women so unfavourable, and in none is absolute despotism less tempered with humanity. The Government of the Shah has no virtue but that of stability, and beyond the self-will of his Majesty and his governors the law is the cruel and vengeful code of so-called religious maxims. Indeed, that which passes by the name of law is the arbitrary and accidental, or more likely the bribed, decision of the man in authority nearest to the Shah to whom the complainant can get access. There is no law but that of the man who has, or thinks he has, more of the Imperial power than another, and in his hands are the most barbarous punishments which the fiendish ingenuity of mankind has ever invented.



THE SHIRKH DJALAL-ED-DIN.

ingenuity of mankind has ever invented.